

نهادهای دولتی و حکومت در تعامل با زنان سرپرست خانواده

دکتر بهرام منتظری: استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

چکیده:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر موازین دین مبین اسلام، اصول ۲۰، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی بر تأمین نیازهای افراد بی سرپرست و زنان سرپرست خانوار به عنوان اقشار آسیب پذیر جامعه تأکید نموده است. قانون گذار نظام اسلامی با توجه به اصل حفظ نهاد خانواده، اصل برقراری عدالت اجتماعی، اصل پیشگیری از مفاسد اجتماعی، اصل رعایت حقوق شهروندی موظف بوده است تا این گروه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد. از جانب دیگر مطابق با آموزه های مذهب تشیع، حاکمان حکومت اسلامی ملزم به بذل توجه ویژه در امور اقتصادی و اجتماعی افراد هستند که از عهده مخارج خود برنیامده و مشکلات بسیاری را متحمل می شوند. امام صادق (ع) می فرماید:

پیامبر اعظم (ص) فرمودند: من از هر مومنی به خود سزاوارترم و اولویت دارم و پس از من این سزاواری را علی (ع) دارد. به حضرت عرض شد: معنی این سخن چیست؟ فرمود: فرمایش پیغمبر اسلام است که هر که بمیرد و از خود بدهی یا بازماندگان بی سرپرست به جا گذارد، بر عهده من است (که دینش را ادا کنم و از بازماندگانش سرپرستی نمایم) و هر که بمیرد و مال از خود به جا گذارد، از آن ورثه است پس هر گاه هر فردی مالی نداشته باشد بر خود ولایت ندارد و چون مخارج عیال خود را نپردازد، بر آنها حق امر و نهی ندارد و پیامبر اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع) و امامان بعد از ایشان ملزم هستند (که مخارج آنها را بپردازند) از این رو ایشان نسبت به خود مردم اولویت دارند و تنها چیزی که موجب شد عموم یهود به دین اسلام روی آوردند همین سخن رسول خدا (ص) بود زیرا ایشان نسبت به خود و عیالات خود آسوده خاطر شدند. (زیرا دانستند که اگر بی سرپرست باشند و خانواده آنها پس از مرگشان، مخارج و سرپرستی نداشته باشند نگهداری و کفالت آنها بر عهده رسول خدا (ص) و پس از آن حضرت به عهده جانشین اوست) (اصول کافی، ص ۲۶۴) بر این مبنا در دوران غیبت فرزند رسول خدا (ص) نیز این مسئولیت بر عهده مسئولین حکومت اسلامی بوده و توجه ویژه ایشان را می طلبد.

مقدمه:

- تعریف مفاهیم کلیدی
- تعریف خانواده و خانوار

خانواده^{۳۷۳} در تعریف جامعه شناختی آن شامل دو یا بیش از دو شخص است که با یکدیگر زندگی می کنند و با پیوند خونی، نکاحی یا فرزند خواندگی^{۳۷۴} به یکدیگر مرتبط اند. بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده اند که کارکرد اصلی خانواده تولید مثل و تربیت فرزندان است و این امر جز از طریق پیوند نکاحی یا زناشویی مرد و زن امکان پذیر نیست و آنچه را که خارج از این مقوله قرار گیرد، خانواده ناکامل می خوانند که بیشتر به مفهوم خانوار^{۳۷۵} نزدیک است تا خانواده به معنای یک واحد زیستی.

مفهوم خانوار در واقع مبتنی بر یک تعریف کلی و عملیاتی از گردهم آمدن اشخاص با نسبتها و روابط متفاوت در زیر یک سقف واحد است و از این رو، به ویژه در تعریف آماری، اغلب از اصطلاح خانوار به جای خانواده استفاده می شود. در یک جمله، خانوار از چند نفر تشکیل می شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می خورند به این ترتیب فردی هم که به تنهایی زندگی می کند خانوار محسوب می شود. (بهنام، ۱۳۵۰: ص ۱۳)

- مفهوم سرپرست خانوار

منظور از سرپرست خانوار یکی از اعضای خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می شود در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست نباشند مسن ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار تلقی می شود. در خانوارهای یک نفره، همان شخص، سرپرست خانوار است (همان). این تعریف در مرکز آمار ایران هم استفاده می شود که موجب کم شماری خانواده های زن سرپرست شده است.

- تعریف زنان سرپرست خانوار

در جوامع مختلف، بسته به الگوهای فرهنگی خاص جامعه، با توجه به نقش های مختلف زنان در خانواده، تعاریف متفاوتی برای زنان سرپرست خانوار وجود دارد به همین جهت تعریف واژه زنان سرپرست خانوار تا حدودی دشوار است زیرا در برخی از خانواده ها علیرغم حضور مرد بزرگسال در خانواده، زنان نان آور خانواده هستند و عملاً خانواده توسط آنان سرپرستی می شود. در مجموع حدود ۷۷ تعریف متفاوت از واژه سرپرست خانوار وجود دارد.

از نظر جامعه شناسان واژه سرپرست خانواده^{۳۷۶} یک اصطلاح توصیفی است و سرپرست خانواده به کسی اطلاق می شود که قدرت قابل ملاحظه ای در مقایسه با سایر اعضای خانواده دارد و معمولاً مسن ترین فرد خانواده است و مسئولیت های اقتصادی خانواده به عهده وی می باشد این تعریف تا سال های اخیر در کشورهای اروپای غربی رایج بود (cf. Mc Gowan, 1990)

بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند (سازمان بهزیستی، ۸۰ - ۱۳۷۹)

۳ - انواع زنان سرپرست خانوار

373 - Family

374 - Adoption

375 - Household

376 - head of household

در یک دسته بندی، زنان سرپرست خانوار به چند گروه عمده تقسیم می شوند:

گروه اول: خانوارهایی که در آن، مرد به طور دائمی حضور ندارد و زنان به دلیل فوت همسر یا طلاق، بیوه شده اند یا دخترانی که ازدواج نکرده و تنها زندگی می کنند و سرپرستی خانواده را عهده دار می شوند.

گروه دوم: خانوارهایی که مرد به طور موقت و به دلیل مهاجرت، مفقودالاثربودن، متواری یا زندانی بودن، نکاح منقطع، سربازی و ... غایب می باشد و زن مجبور به تهیه معاش زندگی خود یا فرزندان می باشد

گروه سوم: خانوارهایی که مرد در آنها حضور دارد، اما به دلیل بیکاری، از کارافتادگی و ... نقشی در امرار معاش ندارد و زن عملاً مسئولیت زندگی خود و فرزندان را عهده دار می شود.

براساس تعریف دیگری خانواده ها به دو گروه بزرگ تقسیم می شوند:

۱ - خانوارهایی که سرپرستی آنها با هنجارها و ارزش های مرسوم در جامعه تعیین می شود مانند زنان بیوه، مطلقه، هرگز ازدواج نکرده یا رها شده.

۲ - خانوارهایی که سرپرستی آنها با نشانه های واقعی یعنی مدیریت روزانه خانه تعیین می شود. معمولاً یک مرد غیرفعال وجود دارد که به ظاهر رئیس خانواده است اما به دلایل متفاوت قادر به اداره مالی و عاطفی خانواده نیست (cf. chat, 1989)

در واقع از میان خانوارهای ذیل، درصد قابل توجهی از آنها به وسیله زنان اداره می شوند در صورتی که در سرشماری، زنان مدیر خانوارهای ذیل به حساب نمی آیند:

در خانوارهایی که مردان سرپرست خانوار، بیکار هستند.

در خانوارهایی که سرپرست مرد به طور موقت در خانواده حضور ندارد (زندانی، متواری و ...)

در خانوارهایی که مردان سرپرست خانوار، سالمند یا از کارافتاده هستند

همچنین زنان خودسرپرست که به دلایل مختلف نظیر جدایی و طلاق به خانه پدری بازگشته اند و دخترانی که در خانه پدری سکونت دارند، ولی ازدواج نکرده اند (شاغل هستند) نیز در سرشماری های رسمی انجام شده محاسبه نمی شوند (فروزان، بیگلریان، ۱۳۸۲: ص ۳۸)

۴ - آمار زنان سرپرست خانوار

- بررسی آماری در سایر کشورها

به طور کلی ۳۷ درصد از خانوارهای جهان را زنان سرپرستی می کنند. (مطیع، ۱۳۷۸: ص ۳) و بالغ بر ۷۰ درصد از خانوارهای تک نفره یا به عبارتی خودسرپرست در جهان، توسط زنان و ۳۰ درصد توسط مردان اداره می شود. (الحداد، ۲۰۰۳: ص ۹)

با توجه به آمار ثبت شده از منابع رسمی، زنان سرپرست خانوار در دنیا ۹/۴۲ درصد کل خانوارها را تشکیل می دهند. در اروپا و آمریکا ۲۰-۱۵ درصد، آفریقا و جنوب آسیا ۳۰ درصد، یمن ۲۲ درصد، لبنان ۱۲ درصد و سودان ۶۶ درصد از خانوارها توسط زنان سرپرستی می شوند (همان).

زنان در مصر ۴۹ درصد جمعیت را تشکیل می دهند و ۲۰ درصد از خانوارهای مصری توسط زنان سرپرستی می شوند (allbayan, 2003, P 200)

براساس تحقیقات بین المللی ۶۰ درصد زنان در جهان نان آور خانه اند و مطالعات آماری اخیر در دنیا نشانگر افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار است. در اروپای غربی نیز درصد خانواده های زن سرپرست به کل خانواده ها ۳۱ درصد است که ۱۸ تا ۲۵ درصد از خانواده های فقیر زن سرپرست هستند این درصد در ایرلند ۴۰ و در کانادا ۵۰ درصد است در کشورهای در حال توسعه هم بین ۲۰ تا ۵۰ درصد کل خانواده ها به وسیله زنان اداره می شود.

- بررسی آماری در ایران

* جمعیت و سن

با تعریف مرکز آمار ایران و براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ در ایران، ۹/۲۴ درصد خانوارها، دارای سرپرست زن بوده اند که معادل یک میلیون و سی و هفت هزار خانوار می باشد. در حالی که این تعداد در سال ۱۳۵۵، برابر با ۸۰۰ هزار خانوار بوده است. از نظر جمعیتی، نسبت جمعیت تحت سرپرستی زنان ۵/۲ درصد بوده است که از نظر سن متوسط سنی زنان سرپرست خانوار شهری ۵۴/۵ و روستایی ۵۴/۱ سال است.

* تحصیلات و تأهل

در میان زنان سرپرست خانوار شهری ۴۳/۶ درصد باسوادند که این نسبت در نقاط روستایی ۱۶/۸ درصد است از نظر وضعیت زناشویی ۱۸/۹ درصد زنان سرپرست خانوار شهری دارای همسر هستند که این نسبت در نقاط روستایی ۲۶/۲ درصد بوده است. نسبت افراد بی همسر بر اثر طلاق و فوت در بین زنان سرپرست خانوار به ترتیب در نقاط شهری ۵/۱ و ۷۱/۴ درصد بوده است و این میزان در میان زنان روستایی به ترتیب ۲/۳ و ۶۸/۹ درصد بوده است.

* نرخ اشتغال

میزان اشتغال در جمعیت فعال از نظر اقتصادی برای زنان سرپرست خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۹۶/۰ و ۹۷/۴ درصد است. مقایسه نرخ اشتغال به کار در میان زنان سرپرست خانوار با کل زنان کشور (۸/۱ درصد شهری و ۱۰/۷ درصد روستایی) نشان دهنده بالاتر بودن نرخ اشتغال زنان سرپرست خانوار نسبت به کل زنان است که می تواند به دلیل شرایط زندگی آنان و ضرورت پاسخگویی به نیازهای اعضای خانوار باشد.

* منبع درآمدی

در جامعه شهری ۳۱/۴ درصد و در جامعه روستایی ۴۴/۲ درصد زنان سرپرست خانوار دارای منابع درآمدی مستقل هستند و سایر زنان به طور عمده از طریق کمک سایر اعضای خانوار یا کمک های اتفاقی، امور اقتصادی خانوار را هدایت می کنند به عبارت دیگر بیش از ۶۰ درصد خانوارهای دارای سرپرست زن به درآمدهای شغلی خود یا سایر اعضای خانوار متکی نیستند و از سایر منابع، معیشت خانوار را تأمین می کنند.

* نوع شغل

از لحاظ نوع اشتغال زنان سرپرست خانوار در نقاط شهری، بیشترین نسبت شاغلان در گروه شغلی و تخصصی، تکنسین و دستیار (۲۸/۶ درصد) است پس از آن گروه شغلی مربوط به صنعت گران و کارکنان مربوطه (۱۸/۱ درصد)، سپس گروه شغلی مشاغل خدماتی و فروشندگان (۱۲/۷ درصد) و در آخر کارگران ساده (۱۲/۳ درصد) بیشترین مشاغل آنان را تشکیل می دهند. ۴۸/۵ درصد زنان روستایی سرپرست خانوار جزء کارکنان ماهر گروه کشاورزی هستند و ۱۸/۵ درصد از آنان جزء گروه صنعت گران و کارکنان مشاغل می باشند. از مجموع زنان شاغل سرپرست خانوار در نقاط شهری، به دلیل ثبات نسبی و وجود برخی مقررات حمایتی، ۵۰/۱ درصد زنان در بخش عمومی و ۴۶/۵ درصد در بخش خصوصی اشتغال دارند، در حالی که تنها ۱۶/۱ درصد زنان روستایی سرپرست خانوار در بخش دولتی فعال هستند و ۸۱/۳ درصد آنان در بخش خصوصی و در مشاغل کشاورزی، صنایع دستی و نظایر آن فعالیت می کنند.

* ساعات کار و هزینه خانوار

در مورد ساعات کار هفتگی سرپرست شاغل در شغلی اصلی ۵۵/۹ درصد از خانوارهای دارای سرپرست زن در نقاط شهری و ۶۳/۱ درصد در نقاط روستایی، کمتر از ۴۲ ساعت در هفته کار می کنند که در مقایسه با مردان در نقاط شهری (۲۵/۲ درصد) و نقاط روستایی (۳۳ درصد) می توان این گونه نتیجه گیری کرد که دستیابی به شغل مناسب، کمتر در اختیار زنان سرپرست خانوار است و ایشان بیشتر در مشاغل پاره وقت که مشکل عدم ثبات شغلی یا کمی درآمد دارند، مشغول به کار می باشند. ۲۰/۷ درصد زنان سرپرست در نقاط شهری و ۱۵/۳ درصد در نقاط روستایی کار خود را در سن ۳۰ سالگی یا بیشتر شروع کرده اند که اغلب امکان استخدام و استفاده از مزایای اداری را ندارند.

۵ - تئوریهها و مبانی نظری

- نظریات اسلام

در دیدگاه اسلام، زن و شوهر در همه امور خانوادگی و روابط بین خویش، از حقوق همسان و برابری برخوردارند، جز اینکه مرد در مدیریت و سرپرستی خانواده و سر و سامان بخشیدن به امر همسر خویش، دارای تکلیفی افزون تر است مرد به سبب پرداخت مهریه، تحمل هزینه زندگی، دفاع از خانواده و مسئولیت زندگی مشترک، از حق سرپرستی بهره مند است. البته این سرپرستی نشانه تقرب بیشتر مرد نزد خداوند نیست، زیرا زن و مرد از ریشه واحدی آفریده شده اند و هر یک می توانند با تقوا و ایمان به خداوند نزدیک شوند. قرآن کریم دلایل سرپرستی مردان را این گونه بیان می دارد:

«الرجال قوامون علی النساء»

ترجمه آیه چنین است: «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است، به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند، پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران می باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند و ...»

مسئله سرپرستی و مدیریت، مسئله ای اساسی و مهم در جامعه بشری است و یکی از تفاوت های حقوقی زن و مرد در مدیریت است. قرآن کریم مدیریت خانواده را به عهده مردان گذاشته و زنان را در سایر مسئولیت های عظیم خانواده یعنی تربیت و ایجاد آرامش و حرکت تکاملی مشمول نموده است.

در آیه ششم سوره تحریم آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتش نگاهدارید، چنان آتشی که مردم و سنگ خارا آتش افروز اوست و...»
در خصوص لزوم تأمین مخارج زندگی توسط مرد خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هر جا که خود سکونت گیرید آنها را نیز به قدر توانایی خود مسکن دهید به آنان ضرر نزنید تا بر آنها تنگ آید و اگر آبستن بودند نفقه شان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر فرزندان شما را شیر می دهند، مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید...» (سوره طلاق، آیه ۶)
هم چنین راوی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «پرداخت نفقه چه کسی بر انسان واجب و الزامی است؟ فرمود: پدر و مادر، فرزند و همسر» (بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۷۴)
هم چنین امام صادق (ع) در تفسیر آیه «و من قدر علیه رزق فلینفق مما آتاه الله» فرمود: «هر گاه مرد نفقه خود را به میزانی که برای او کفایت کند، بپردازد و نیز پوشاک وی را فراهم نماید، وظیفه اش را در مسئولیت اقتصاد خانواده انجام داده و گرنه آن دو از هم جدا می گردند» (همان، ص ۷)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که برای روزی حلال خانواده اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است» (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۳)
هم چنین امام رضا (ع) می فرمایند: اگر زن نیازمند شود بر عهده مرد است که نیاز او را برطرف ساخته و نفقه اش را بدهد، اما اگر مرد نیازمند گشت بر عهده زن نیست که او را تأمین کند یا اگر محتاج و نیازمند شود هزینه و نفقه او را بپردازد.
به همین دلیل ارث مردان دو برابر زنان است و این سخن خداوند نیز از همین جا نشأت می گیرد که می فرماید: مردان کارگزار و سرپرست زنانند، از آن روی که برخی را بر برخی فزونی و برتری داده و بدان سبب که مردان از مال خود به زنان نفقه دهند (داوودی، ۱۳۸۴: صص ۲۸۴ - ۲۵۱)

از نظر قوانین و مقررات حقوقی اسلام، زن وظیفه ای در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ندارد و می تواند درآمد فعالیت های خود را صرف امور شخصی خود یا پس انداز نماید. در این رابطه خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«...للنساء نصیب مما اكتسبن...» (سوره نساء، آیه ۳۲). «... زنان را از آنچه بدست می آورند نصیبی است...»

بنابراین زن در سرپرستی خانواده نیز وظیفه ای ندارد و اگر این امور را عهده دار می شود عملی پرمشقت است که از روی فداکاری، احسان انجام می دهد و اسلام نمی پسندد که زنان را موظف به آن نماید.

به طور کلی در دیدگاه اسلام، مسئولیت های مهم زن، تربیت نسل انسانی (فرزندان)، گرم نگهداشتن محیط خانه و فراهم سازی رشد و شکوفایی فضایل اخلاقی در خانواده است. ساختار جسمی و روحی زن با این مسئولیت مهم و ظریف تناسب دارد. درگیری و خشونت، ورود به چالش های اجتماعی و حضور در نبردهای سیاسی با آنچه که خداوند در سرنوشت و طبیعت او قرار داده است، همخوانی کمتری دارد. حال اگر زنانی که به دلایل مختلف علاوه بر مسئولیت های فرزندپروری مجبور شده اند که به تنهایی نقش اقتصادی خانواده را بر دوش کشیده و جای خالی پدر را نیز در خانواده پر کنند، گرفتار تعدد نقش خواهند شد که بنابر نظر فوق احتمالاً تعارض بین این نقش ها به وجود خواهد آمد و اگر قوانینی در جامعه نباشد تا از آنها حمایت نماید و از تعارض نقش های آنان بکاهد مشکلات جدی بر این دسته از خانواده ها بوجود خواهد آمد.

- نظریه های روانشناسی

روانشناسان معتقدند یکی از عمده ترین منابع استرس برای زنان، به ویژه زنان سرپرست خانواده ایفای نقش های متعدد در زمان واحد است. عمده ترین نقش پذیرفته شده برای مردان نقش نان آوری خانواده است و استرس های مربوط به نقش در مردان معمولاً وابسته به نقش های شغلی آنان است. زنان سرپرست خانواده هم باید اداره امور اقتصادی را بر عهده داشته و استرس های مربوط به شغل و حرفه و تنظیم درآمد را تجربه کنند و هم استرس های نقش والدینی، تربیتی و حمایتی از فرزندان (cf. Branon , 1999)

برایسکو^{۳۷۷} در بررسی ۳۹ مورد از زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسید که ۷۵ درصد از زنان این گروه، از بیماری های روانی رنج می برند که عمده ترین آنها با طلاق همبستگی نزدیک دارد که شامل اختلالات عاطفی، شخصیت ضد اجتماعی و هیستری می باشد. (رک . باقری، عطاران، ۱۳۷۲). ظهور علائم روانپزشکی (کلایتون، ۱۹۷۴، پارکز ۱۹۶۴) ابتلا به بیماریهای روانی (بلین، هاروت، ۱۹۸۵) آغاز استفاده از خدمات روانپزشکی برای بیماران سرپایی (رابرتسون، ۱۹۷۴، اشتین و سومر ۱۹۶۹) و خودکشی (لوک و ویر، ۱۹۷۲، کوسنگ، ۱۹۶۶، سی گول، ۱۹۶۹) همگی در بین زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، متداول تر از افراد متأهل بوده است. (رک . عباس پور، ۱۳۷۲، به نقل از مادیسون و ویلول ها، ۱۹۶۸)

سبیل^{۳۷۸}، موقعیت اقتصادی، اجتماعی بالا را در انطباق با بیوگی و کاهش افسردگی موثر می داند. همچنین پارکز گزارش داده است که حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد از زنان بیوه به عنوان بیمار افسرده تشخیص داده شده اند به طوری که بسیاری از این افراد به میزان زیادی مصرف کننده داروهای خواب آور و آرام بخش بوده اند. (خسروی، ۱۳۷۴، به نقل از پارکز ۱۹۸۳)

مروین سومر^{۳۷۹} اظهار کرده است که احتمال ابتلا به بیماری های روانی در زنانی که طلاق گرفته اند و سرپرستی خانواده را نیز بر عهده دارند از متأهلین و کسانی که تنها زندگی می کنند بیشتر است. از آنجایی که زنان سرپرست خانواده علاوه بر وظایف مادری و تربیت فرزندان، نگهداری

³⁷⁷ - Brisco, 1973

³⁷⁸ - Sebil, 1986

³⁷⁹ - Somer, 1969

و مراقبت از آنان و اداره امور خانه، نقش اقتصادی خانواده را نیز بر عهده دارند، ملزم به اشتغال بیرون از خانه می باشند و چون از اشتغال و درآمد مناسب و کافی برخوردار نمی باشند و نقش های زن و مرد را همزمان ایفا می کنند تا حدودی نوع و میزان استرس آنان از تجربه مردان متفاوت می باشد (cf. Blanon , 1999).

- نظریات جامعه شناسی

وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و کودکانشان مورد توجه و بررسی اندیشمندان حوزه جامعه شناسی قرار گرفته است، در واقع گسترش این شکل از خانواده در همه کشورهای جهان چه صنعتی و چه جهان سوم، ضرورت این بررسی را ایجاد کرده است.

* نظریه زنانه شدن فقر

طرفداران نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار معتقدند که خانواده های زن سرپرست نه تنها در همه کشورهای جهان گسترش یافته اند، بلکه روز به روز بر تعداد خانوارهای زن سرپرستی که در جمعیت کم درآمد قرار می گیرند، افزوده می شود. این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته ترین قوانین را به نفع زنان داشته اند، دیده شده است. در این کشورها، به رغم کمک های دولتی به این زنان، فرآیند فقیرشدن زنان همچنان ادامه دارد (cf. shaffer , 1990)

مشکل دیگری که بر میزان آسیب پذیری این زنان می افزاید - حتی اگر در مشاغل با منزلت مشغول به کار باشند - مسئله تنظیم وقت برای انجام کار خانگی و کار بیرون از خانه است. این مشکل را صاحب نظران این دیدگاه اصطلاحاً فقر زمانی³⁸⁰ نامیده اند. یعنی زنانی که به طور تمام وقت و در شبکه رسمی بازار کار می کنند، برای انجام وظایف خانگی، رسیدگی به کودکان و انجام امور خود وقت کافی ندارند هنگامی که فقر زمانی، با فقر مادی همراه شود، این گروه را آسیب پذیرتر می کند (cf. kissman, 1991).

* نظریه ساختی - کارکردی

براساس این نظریه، خانواده های زن سرپرست، با شکل طبیعی و سنتی خانواده های دو والدی در تضادند و در واقع پیدایش این گروه از خانواده ها، نوعی انحراف محسوب می شود. در این خانواده ها به علت غیبت پدر و عدم زندگانی زوجی، «شانس های زندگی» کودکان تا حد زیادی کاهش می یابد و عدم اقتدار پدر برای ساماندهی به زندگی خانوادگی، خانواده را با بحران مواجه می کند، بحرانی که با ورود زنان به بازار کار به جای انجام وظیفه سنتی (خانه داری) شروع شده و به تربیت نامناسب کودکان، افت تحصیلی و بزهکاری آنان ختم می شود (cf. chat , 1989).

براساس این نظریه «طبقه زیرین»³⁸¹ از افراد منزوی تشکیل شده که در «محلات غیرسازمان یافته» ساکنند. در این محلات حضور خانواده های زن سرپرست شایع است. (cf. Abramovitz , 1992)

* نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت ها

380 - Time poverty

381 - under class

- در این نظریه عنوان می گردد که فقر و آسیب پذیری، مقوله ای طبقاتی است نه جنسیتی. برمبنای این نظریه تمام زنان یا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب پذیری نیستند، بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده های پایین اجتماع قرار می گیرند، بیشتر در معرض آسیب هستند.
- در واقع آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار و همه فقرای دیگر به دلیل فرآیند سیاسی اجتماعی و اقتصادی مشترکی است که همگی آنها را از دسترسی به شرایط مناسب حیات محروم می نماید. (cf. Gimenez , 1992)
- به هر حال طرفداران نظریه طبقاتی اولاً آسیب پذیری و فقر زنان سرپرست خانوار را پدیده ای عمومی می دانند، ثانیاً علت اصلی آن را به نظام اقتصادی نابرابر یعنی سرمایه داری نسبت می دهند.

* نظریه کنش

به اعتقاد نظریه پردازان کنشی، اگر چه خانواده های زن سرپرست مشکلات متعددی دارند (به دلیل تحصیلات کم و تبعیض در بازار) ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تأثیر می گیرند و نمی توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به عبارت دیگر نمی توان این گروه از زنان را کاملاً «قربانی» و منفعل در برابر شرایط دانست، بلکه باید با بررسی تجربه های شخصی این زنان راه های مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت.

به عبارتی اطلاق لفظ «آسیب پذیر» به این گروه حداقل به طور مطلق و فراگیر درست نیست زیرا به این ترتیب واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایط شان نادیده گرفته می شود (cf. Motie , 1997)

در مطالبات جامعه شناختی جدید بر این نکات تأکید می شود که :

الف) تقریباً در اکثر جوامع امروزی، جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت ها با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت ها متفاوت است.

ب) جایگاه زنان در بیشتر موقعیت ها نه تنها با جایگاه مردان متفاوت است، بلکه اغلب از آن کم بهتر و پایین تر است

ج) زنان علاوه بر نابرابری پایگاه و تفاوت منزلت در شرایط واحد، غالباً از طریق قید و بندهای فراوان اجتماعی، تابعیت، تحصیل، سوء استفاده و بدرفتاری مردان تحت ستم قرار دارند.

۶ - انواع مشکلات زنان سرپرست خانواده

- مشکلات روحی - روانی

تحقیقات لی در سال ۱۹۹۸ نشان داد که زنان سرپرست خانواده در مقایسه با سایر زنان دچار مشکلات روانشناختی بیشتری هستند. آنها علاوه بر رویارویی با مشکلات اقتصادی با برخی فشارهای منفی اجتماعی همچون نگرش منفی نسبت به زنان بیوه و مطلقه روبرو هستند، البته نوع استرسورها، میزان حمایت های دریافتی، شدت علائم افسردگی در میان مادران مجرد و سرپرست خانواده و مادران متأهل متفاوت بوده و عمده ترین استرسورها برای مادران سرپرست و مجرد،

بیکاری، درآمد ناکافی و مشکل مسکن می باشد که بیشترین همبستگی را با افسردگی نشان می دهد. (cf. lee, 1998)

همچنین براساس تحقیقات انجام شده در ایران، زنان سرپرست خانوار در مقایسه با گروه کنترل، اختلالات روانشناختی (افسردگی، اضطراب، انزوا و شکایات جسمانی) بیشتری را تجربه کرده اند و در مقایسه با گروه کنترل بیشتر از شیوه های مقابله ای جسمانی سازی، جلب حمایت و مهار هیجانی استفاده می کنند. شیوه های مقابله مبتنی بر جسمانی سازی و مهار هیجانی، احساس ناتوانی در برآوردن خواسته های فرزندان، حساس تنهایی و بی کسی، فقدان فردی در جهت در میان گذاردن مشکلات فرزندان و نبود فرصت برای رسیدگی به مسائل تحصیلی فرزندان از مشکلات روانشناختی زنان است و در پیش بینی افسردگی علاوه بر موارد فوق، میزان درآمد نیز سهم قابل ملاحظه ای دارد. (خسروی، ۱۳۸۳ : ص ۶۸ - ۶۲)

یافته های تحقیقات در ایران و سایر نقاط جهان نشان می دهد که زنان سرپرست خانواده با مشکلات اقتصادی، فشارهای مزمن و مداوم و نگرش های منفی اجتماعی نسبت به خود روبرو بوده و حمایت های اجتماعی بسیار کمی را دریافت می کنند. بنابراین بالابودن میزان اختلالات روانی در آنها تعجب آور نیست و در واقع بالابودن میزان مشکلات روانی در آنان معلول شرایط اقتصادی - اجتماعی آنان است نه وابسته به جنسیت آنان. (رک . مطیع، ۱۳۷۸)

فشارهایی که بیشترین تأثیر را بر این گروه از زنان دارد و موجب افزایش ابتلا به افسردگی در آنان می شود عبارتند از :

- طلاق
- آزار و تجاوز جنسی
- تبعیض جنسیتی
- فقر و بی قدرتی (cf. Denelstein , 1993)

از آنجا که زنان سرپرست خانوار، به شکل فزاینده ای فقیرتر هستند این زنان در مقایسه با سایر زنان مشکلات روانشناختی بیشتری را تجربه می کنند بدین دلیل که آنها علاوه بر روبرویی با مشکلات اقتصادی با برخی فشارهای منفی اجتماعی همچون نگرش منفی نسبت به زنان بیوه و مطلقه و ازدواج مجدد آنها روبرو هستند (cf. Bablat , 1986)

از نظر سلامت جسمی بیش از نیمی از زنان سرپرست خانوار احساس ضعف و ناتوانی می کنند، این مشکل در جامعه شهری به ۵۹/۸ درصد می رسد همچنین در ۶۰/۲ درصد از زنان سرپرست خانوار، احساس اضطراب و نگرانی از آینده وجود دارد (سازمان بهزیستی ، ۸۰-۷۹)

- مشکلات خانوادگی

تفاوت دو جنس در تجربه فشارها و مشکلات روانشناختی ناشی از تفاوت نقش های مورد انتظار از زنان و مردان است که منجر به پیامدهای متفاوت می گردد. معمولاً از زنان انتظار می رود نسبت به نیازهای جسمانی، عاطفی و هیجانی های اعضای خانواده (همسر، فرزندان و بزرگسالان خانواده) بیشتر پاسخگو باشند.

علاوه بر این موارد، بیشترین بخش اداره منزل (خرید، نظافت، آشپزی، مراقبت از فرزندان و رسیدگی به مسایل بهداشتی، تربیتی و تحصیلی فرزندان) بر عهده زن است. این وظایف زن، ساخت نیافته است و ساعت شروع و خاتمه آن مشخص نیست و از آن پاداشی دریافت نمی شود، اما مجموعه این عوامل منجر به تجربه فشارهای دانم می شود، در حالی که نقش های مردان، ساخت یافته است و شروع و ختم آن دارای ساعت مشخصی می باشد و در ازای انجام کار و فعالیت خود پاداش دریافت می نمایند. (cf. Brannon, 1999)

به طور کلی تعارض نقش، زمانی ظهور می کند که خواسته ها و انتظارات ناهمساز از فرد وجود دارد، به طوری که فرد در انتخاب و انجام آنها دچار تعارض می شود فرد از طرفی سعی دارد تمامی آن ها را به طور همزمان انجام دهد، در حالی که در عمل چنین چیزی ممکن نیست. ابهام نقش نیز زمانی ایجاد می شود که فرد در مورد رفتارها، خواسته ها و انتظارات، تصور روشن و واضحی در ذهن ندارد، بنابراین در بین زنان سرپرست خانواده تعارض و ابهام نقش به دلیل ناتوانی در ایجاد هماهنگی بین احتیاجات خود، فرزندان و سایر نزدیکان ایجاد می شود.

همچنین تحقیقات نشان داده اند مادران تنهایی که سطح بالایی از محرومیت اقتصادی را تجربه می کنند، بیش از سایرین از روش های تربیتی خشن در رابطه با فرزندانشان استفاده می کنند و نقش های مادری و مسئولیتی خود را بیش از سایرین منفی ارزیابی می کنند. (cf.

Mcloyd, Jayaratne, Ceballo & Borques, 1994)

اما کمیت نقش (تعداد نقش های فرد) به تنهایی باعث ایجاد فشار و تعارض نمی شود، بلکه توانایی فرد در کنترل شرایط و میزان حمایت های دریافتی از ناحیه فامیل و دوستان و آشنایان نقش تعیین کننده ای در ادراک فرد از فشارهای موجود دارد. بنابراین تأثیر مشکلات و استرسورها در زنان سرپرست خانواده، وابسته به میزان کنترل بر امور، نوع مهارت های مقابله ای، حمایت های اجتماعی و میزان و شدت تغییرات حاصله در میزان درآمد، نوع مسکن و روابط خویشاوندی است. - مشکلات اجتماعی

زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، با مشکل احساس تنهایی، انزوا، طردشدگی و عدم درک از سوی دیگران مواجهند. فقدان حمایت های اجتماعی مهمترین عامل جهت پیش بینی پیامدهای منفی وضعیت این زنان است. زنان بیوه که سرپرستی خانواده را به عهده دارند، علاوه بر احساس تنهایی، فشار تأمین امور اقتصادی خانواده را نیز تجربه می کنند، امری که معمولاً در آن تجربه کافی ندارند. سایر مشکلات آنان عبارتند از:

تعارضات خانوادگی، فقدان شغل و درآمد کافی، کمبود تجربه، فقدان همدم و احساس تنهایی. این فقدان به معنای طردشدگی، عدم امنیت، فقدان حمایت های عاطفی، فقدان درآمد و نداشتن شریک زندگی و ضعف موقعیت اجتماعی است (رک. خسروی، ۱۳۷۴)

مطالعات ماریس نشان می دهد که میل این زنان به استقلال، نفرت از احساس ترحم به خود، دلسردی اجتماعی و اندوه، ناکامی خانواده در کوشش برای تسلی دادن به کسی که تسلی نمی

یابد، ظهور اثرات جانبی فقر مانند سرمایه کم برای نقل و انتقال و تفریح، همه از جمله عواملی هستند که تمایل زن بیوه را به جدایی از اطرافیان تقویت می کنند. (رک . باقری، عطاران، ۱۳۷۲) در نهایت زنان سرپرست خانواری که توانایی اداره اقتصادی خود و خانواده را ندارند، دچار نوعی انزوای اجتماعی شده و در معرض آسیب های اجتماعی قرار می گیرند. (محمدی، ۱۳۸۵: ص ۱۴۲).

همچنین این گروه از زنان بیش از سایر گروه ها اتفاقات و وقایع پرخطر و غیرقابل کنترل را تجربه کرده و در معرض جنایت، خشونت، بیماری و از دست دادن کودکانشان قرار دارند. (cf.slinglois & fortin , 1994)

تحقیقات اخیر محققین نشان می دهد که روابط حمایت برانگیز اجتماعی به عنوان یک منبع خارجی می تواند اثرات ناشی از مشکلات آنان را کاهش دهد حمایت اجتماعی یک تبادل بین فردی است که طی آن فردی به فرد دیگر کمک می رساند و ممکن است به چند روش زیر حاصل شود:

- «حمایت هیجانی»^{۳۸۲} که از طریق پیوند عشق یا همدردی انجام می گیرد.
- «حمایت ابزاری - کمکی»^{۳۸۳} مانند تهیه و تدارک کالا یا خدمات که شامل دادن قرض یا وام به فرد می شود.

- «حمایت اطلاعاتی»^{۳۸۴} که شامل ارائه اطلاعات درباره موقعیت مشکل است
- «حمایت در مقام ارزیابی رفتار»^{۳۸۵} که اطمینان دادن به فرد درباره درستی اعمال و تعمیم ها در شرایط مشکل ساز است و می تواند در کاهش مسائل و مشکلات راهگشا باشد.

- مشکلات اقتصادی

زنان در سر تا سر دنیا از وضعیت اشتغال و درآمد مناسب و کافی برخوردار نیستند، بنابراین مسائل و مشکلات آنان نسبت به مردان سرپرست خانواده بیشتر است. براساس اطلاعات بدست آمده از آمارهای بین المللی وضعیت جمعیت، کار و درآمد زنان در جهان به قرار ذیل است:

- زنان یک دوم کل جمعیت جهان
 - دو سوم ساعات کار انجام شده (شامل فعالیت های داخل و خارج از منزل)
 - یک سوم ساعات کار ثبت شده
 - یک دهم درآمد جهانی
- یک صدم مالکیت ثبت شده و اموال و دارای ها را به خود اختصاص داده اند. مقایسه آمار و ارقام بالا نشان می دهد با اینکه نیمی از کل جمعیت جهان زنان هستند و سطوح بالایی از ساعات کار توسط آنان انجام می گیرد، با این حال میزان درآمد دارایی های آنها بسیار کم می باشد علی

382 - emotional support

383 - instrumental support

384 - informational support

385 - appraisal support

رغم اینکه زنان از نظر انضباط شغلی و تعهد و دقت نسبت به مردان بهتر عمل می کنند، برای فعالیت در مشاغل سطح بالا، بیشتر مردان انتخاب می شوند. (رک . غفاری، ۱۳۸۱)

درآمد کمتر زنان سرپرست خانوار موجب فقر نسبی آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار شده است. به طوری که ۲۹ درصد خانوارهای دهک اول اقتصادی را خانوارهای بی سرپرست یا زن سرپرست تشکیل می دهند. (مدنی، ۱۳۸۱: ص ۱۱)

بنابراین درصد فقر مطلق زنان سرپرست خانوار بیشتر از خانوارهای دارای سرپرست مرد می باشد منظور از فقیر مطلق در یک جامعه، افرادی هستند که درآمدها از حداقل درآمد معیشتی معین (تأمین نیازهای اولیه) کمتر باشد، در واقع این افراد زیر خط فقر زندگی می کنند. در سال های ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ به ترتیب هزینه های ۴/۴۵، ۵۲، ۵/۱۷ درصد کل زنان سرپرست خانوار، اجازه دستیابی اعضای خانوار را به حداقل های موردنیاز نمی داده است، بنابراین این عده در فقر مطلق زندگی می کرده اند. در حالی که این شاخص برای مردان در همان سال به ترتیب ۴/۲۵، ۱/۱۶، ۸/۱۴ درصد بوده است. (شادی طلب، ۱۳۸۳: ص ۶۰)

۷ - عملکرد جمهوری اسلامی

- قانونگذاری

از جمله مصوبه های مجلس پیرامون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست ماده واحده ای است که در آن دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست موضوع چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی اقدام و حداکثر ظرف سه ماه لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم کند.

در تبصره آمده است که دولت باید حتی الامکان در لایحه جهت خودکفا نمودن، بیمه شدگان را مورد توجه خاص قرار دهد این قانون در تاریخ ۱/۸/۱۳۶۲ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است.

از دیگر مصوبه های ۲۴/۸/۱۳۷۱ اشاره کرد که زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، زنان و دختران بی سرپرست و کودکان بی سرپرست مشمول این قانون شده اند و در آن زنان و کودکان بی سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت های مقرر در این قانون بهره مند می شوند. حمایت های موضوع این قانون شامل موارد زیر می باشند:

- حمایت های مالی و تهیه امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی مستمر

- حمایت های فرهنگی اجتماعی از جمله ارائه خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی،

.. کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت اشتغال، خدمات مشاوره ای و مددکاری و نگهداری

زنان سالمند بی سرپرست و کودکان بی سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری

سرپرستی آنان به افراد واجد شرایط

- آیین نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست در تاریخ ۱۱/۵/۱۳۷۴

به تصویب رسید که مشتمل بر ۱۴ ماده می باشد. طبق ماده ۱، محور و اساس حمایت ها و

اقدامات اجرایی موضوع این آیین نامه ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن

زمینه ها و موجبات عادی سازی زندگی زنان و کودکان بی سرپرست می باشد. در ماده ۲، بر شناسایی کودکان بی سرپرست از طریق هماهنگی با نیروی انتظامی و معرفی آنان به سازمان بهزیستی طی مراحل قانونی و از طریق مراجع قضایی تاکید شده است. - از دیگر مصوبه های مجلس اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت می باشد که در تاریخ ۷۵/۷/۱۵ به تصویب رسید. همچنین اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۸۰/۱/۲۲ به این نکته اشاره دارد که مستخدمات زن شاغل و بازنشسته مشمول این قانون که متکفل فرزندان خود می باشند. در ماده ۳، مشمولانی که پس از دریافت کمک های بهزیستی به تشخیص مددکاران توانایی لازم جهت کسب درآمد و گذران زندگی عادی را به دست آورده اند از شمول اقدامات حمایتی خارج می شوند.

در ماده ۴، به اقدامات حمایتی از زنان و کودکان بی سرپرست اشاره شده است که شامل:

- خدمات آموزشی و تربیتی
- خدمات کاریابی و اشتغال
- مددکاری، مشاوره و راهنمایی

در ماده ۵، به پرداخت های غیرمستمر جهت فراهم آوردن امکانات رفاهی، اشتغال، ازدواج و ... اشاره شده است.

در ماده ۶ میزان و مدت پرداخت های مستمر تعیین شده است که در آن خانواده های دو نفر حداکثر ۳۰ درصد حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال، خانواده های سه نفره حداکثر ۳۵ درصد، خانواده های چهار نفره حداکثر ۴۰ درصد و خانواده های ۵ نفره و بیشتر حداکثر ۵۰ درصد دریافت کنند.

در ماده ۷، به میزان پرداخت مستمری مشمولان سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به صورت یکسان و هماهنگ اشاره شده است.

مطابق ماده ۹، افراد و خانواده هایی که توانایی لازم جهت زندگی متعارف را پیدا کرده اند، مجاز به استفاده از حمایت های اقتصادی و دریافت مستمری نیستند.

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۷/۳/۲۴ قانون تشویق احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری را به تصویب رساند که در آن شرایط متقاضیان اجاره یا اجاره به شرط تملیک با حفظ اولویت برای متقاضیان جوان متاهل و افراد کم درآمد و زنان سرپرست خانوار لحاظ شده است.

در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی نیز مبلغ چهار هزار و پانصد میلیارد ریال اعتبار برای اعطای تسهیلات بانکی به طرح های سرمایه گذاری اشتغال زای بخش های تولیدی، خدماتی، بخش های خصوصی و تعاونی و خوداشتغالی با اولویت زنان سرپرست خانوار اختصاص یافته است.

در ماده ۹۶ قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی نیز تامین بیمه خاص (در قالب فعالیت های حمایتی) برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی سرپرست با اولویت کودکان بی سرپرست در نظر گرفته شده است.

- اجرایی

در کشور ما اقدامات ملی محدودی در زمینه فعالیت زنان انجام شده است از مهمترین اقدامات انجام شده در خصوص فقرزدایی زنان در سال های اخیر می توان به فعالیت ارگانهایی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) بهزیستی و وزارت کار و امور اجتماعی اشاره کرد که بر موضوعاتی از قبیل کارآفرینی و مهارت آموزی زنان سرپرست خانوار تاکید می کند که البته این طرح ها سنتی بوده، پاسخگوی نیازهای زنان سرپرست خانوار نمی باشند. نهادهای حمایتی داخل کشور لازم است با قشر آسیب پذیر جامعه تعامل برقرار کرده، برنامه های خود را مطابق با خواسته ها و علایق قشر آسیب پذیر تهیه و تدوین کنند.

تاکنون بیش از ۴۰۰ هزار طرح خودکفایی توسط کمیته امداد امام خمینی اجرا شده که ۷۳ درصد این طرح ها در روستاها و شهرهای کوچک و ۲۷ درصد دیگر در سایر نقاط اجرا شده و از این تعداد طرح ۲۳/۳ درصد را زنان سرپرست خانوار اجرا می کنند. سالانه بین ۱۲ تا ۱۵ هزار خانواده با اجرای این طرح های خودکفایی به استقلال مالی رسیده از پوشش این نهاد خارج می شوند.

در پایان سال ۱۳۸۲ حدود ۲/۲ میلیون خانوار (۱۶ درصد خانوارهای کشور) تحت پوشش مستمر و سازمان یافته خدمات حمایتی کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور، بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی قرار داشته اند و علاوه بر آنها، حداقل ۲/۸ میلیون نفر به صورت موردی یا مقطعی از خدمات و حمایت های اجتماعی مقرر استفاده نموده اند. بیش از ۶۶ درصد از خانواده ها، تحت پوشش مستمر خدمات اجتماعی و بیش از ۶۸ درصد از خانواده ها و افراد، از خدمات موردی مذکور در شمول اقدامات کمیته امداد امام خمینی بهره مند شده اند.

از جمله اقدامات بهزیستی، اجرای طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با افزایش توانایی های فردی و جمعی زنان از طریق فراهم کردن ضوابط و امکانات لازم به منظور بهبود دسترسی زنان به فرصت های اقتصادی، اجتماعی، منابع فرهنگی و بازار اشتغال می باشد. خدمات موردنظر در این طرح شامل پرداخت مستمری و کمک هزینه جهت وام مسکن و اشتغال، اجرا و تقویت برنامه های کاریابی، تقویت خدمات بیمه ای، خدمات مشاوره و مددکاری، آموزش مهارت های زندگی، ارتقای آگاهی های عمومی، اصلاح باورهای نادرست در مورد زنان سرپرست خانوار بوه است (سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۸۵/۱۰/۲۴)

۸ - راهبردها و راهکارها

- رویکرد پیشگیری

تلاش جهت کاهش نرخ مرگ و میر مردان سرپرست خانوار و افزایش امید به زندگی

بزرگترین گروه از زنان سرپرست خانوار (۸۰ درصد) زنان بیوه هستند که همسر آنها به دلایلی نظیر سوانح، تصادفات و بیماریهای فوت شده اند، لازم است در جهت کاهش نرخ مرگ ومیر مردان سرپرست خانوار و افزایش طول عمر و امید به زندگی آنها اقدامات اساسی انجام گیرد.

* کاهش نرخ جرایم در میان مردان سرپرست خانوار

از آنجا که تعدادی از زنان سرپرست خانوار به جهت زندانی بودن همسر، مسئولیت سرپرستی خانواده را بر دوش می کشند، لازم است با اتخاذ سیاست های حبس زدایی و ابهام زدایی از برخی قوانین نظیر قانون چک و دیه ، نرخ زندانی شدن مردان سرپرست خانوار را کاهش داد.

* گسترش پوشش بیمه بین روستائیان و عشایر

انجام بیمه روستائیان و عشایر موجب می گردد که پس از فوت یا از کارافتادگی مردان روستایی و عشایر مقرری به خانواده آنها تعلق گیرد و تا حدی مشکلات خانواده های زن سرپرست کاهش یابد.

* تلاش جهت اعاده حقوق مالی زوجه در زمان فوت یا طلاق از همسر

از آنجا که مطابق آموزه های اسلامی و قوانین مدنی مهریه، اجرت المثل ، ارث زوجه و تنصیف به عنوان حقوق و پشتوانه مالی زوجه محسوب می شود، لازم است حکومت اسلامی تدابیری اتخاذ نماید تا زنان در این شرایط به ویژه در شرایطی که طلاق به دلایلی نظیر فساد اخلاقی و اعتیاد همسر انجام می شود به طور کامل به حقوق مالی خود دست یابد.

- رویکرد حمایتی

به نظر می رسد رویکرد حمایتی بیشتر باید متعلق به زنان سالمند و زنانی باشد که سطح سواد پایین تری دارند و در شرایطی نیستند که بتوانند شاغل شوند یا حرفه ای بیاموزند یا سطح سواد خود را افزایش دهند و نیز زنانی که هیچ نوع درآمدی ندارند و در تامین نیازهای اساسی خود مشکل دارند و مابقی زنان سرپرست خانوار با رویکرد توانمندسازی و توان افزایی جهت تامین آتیه خود و خودکفایی آماده شوند.

* حمایت های قانونی

- اختصاص هزینه عائله مندی به زنان سرپرست خانوار
- امکان استفاده از مستمری همسر اول در صورت جدایی از همسر دوم
- استفاده از واژه زنان سرپرست خانواده به جای زنان بی سرپرست
- اصلاح قانون مستمری بگیران تامین اجتماعی (اگر مستمری بگیر در سه ماهه آخر عمر خود حق بیمه پرداخت نکرده باشد خانواده وی پس از فوت از دریافت مستمری محروم می شوند)
- اختصاص ردیف بودجه خاص از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی به تمام دستگاه ها جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار
- رفع نابرابری دستمزدی بین زنان و مردان سرپرست خانوار در مشاغل یکسان

- لزوم اجرای طرح بیمه زنان خانه دار و بقای این بیمه پس از فوت همسر (استفاده از ۲ بیمه همزمان منع قانونی دارد و بایستی موارد زنان سرپرست خانوار استثنا شود)
- تقویت نظارت و ضمانت اجرای قوانین و آیین نامه های مربوط به زنان و کودکان بی سرپرست و سرپرست خانوار در برنامه چهارم توسعه و برنامه های آتی
- توجه به وضعیت اقتصادی دختران سرپرست خانوار (این دختران معمولاً به همراه مادر خود زندگی می کنند و به جهت اشتغال، مخارج مادر بر عهده آنهاست)
- اصلاح دیه زنان سرپرست خانوار در صورت قتل عمدی یا سهوی
- اعطای ۵ سال خدمت جهت بازنشستگی زنان سرپرست خانوار با ۲۵ سال کار و

سی روز حقوق

- اولویت استخدام فرزندان زنان سرپرست خانوار
- انتقال حقوق زنان سرپرست خانوار به بازماندگان پس از فوت
- ساماندهی بیمه های مختلف نظیر تأمین آتیه، بیمه عمر و غیره جهت تضمین زندگی آینده و تسهیل استفاده زنان سرپرست خانوار از بیمه های فوق

* حمایت های اقتصادی

- توجه به نرخ تورم در مستمری و کمک های اقتصادی به خانواده های زن سرپرست
- پیش بینی افزایش بودجه سازمان های متولی در امور زنان و کودکان بی سرپرست و سرپرست خانوار با توجه به افزایش نرخ طلاق، جرایم و آسیب های اجتماعی در هر سال
- در اولویت قرار گرفتن اشتغال زنان سرپرست خانوار (اشتغال این زنان باید به گونه ای باشد که به محل زندگی فرد نزدیک باشد و با توجه به مسئولیت تربیت کودکان و عدم امکان سپردن کودکان به مهدکودک و هزینه های آن، امکان نظارت و نگهداری فرزندان برای آنها میسر باشد)
- آموزش مهارت های شغلی و اجرای برنامه های آموزش های حرفه ای برای زنان بیکار یا جویای کار سرپرست خانوار به منظور برخورداری آنان از دانش و مهارت های جدید و افزایش فرصت های شغلی آنان
- درج وضعیت سرپرستی خانواده در فرم های کاریابی جهت تشخیص و اولویت اشتغال زنان سرپرست خانوار
- گشودن مجاری ویژه وام دهی به زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست
- ایجاد تعاونی های تولید و خدمات ویژه زنان سرپرست خانوار
- اتخاذ تمهیدات لازم نظیر اجاره به شرط تملیک و وام مسکن و وام اجاره مسکن جهت حل مشکل مسکن زنان سرپرست خانوار
- اعطای کمک های بلاعوض، بن ارزاق، طرح اکرام، تهیه سبد غذایی رایگان برای زنان نیازمند سرپرست خانوار با لحاظ اصل حفظ کرامت آنان

* حمایت های فرهنگی و اجتماعی

- ایجاد مراکز مشاوره و امکان بهره مندی از خدمات مشاوره ای رایگان برای خانواده های زن سرپرست
- برگزاری جشنواره های خاص جهت تمجید از زحمات زنان سرپرست خانوار شاغال جهت حفظ کانون خانواده
- اتخاذ تصمیمات اساسی جهت جلوگیری از موازی کاری دستگاه های حمایتی و خدماتی به زنان و کودکان بی سرپرست و سرپرست خانوار
- فراخوان به مراکز مختلف ذیربط جهت شناسایی و تعیین آمار دقیق زنان سرپرست خانوار
- ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از زنان سرپرست خانوار و کنترل آماری در هر سال
- ارائه کمکهای مختلف اقتصادی با لحاظ حفظ، عزت و حرمت زنان سرپرست خانوار
- ارائه خدمات آموزشی، تربیتی، مشاوره ویژه فرزندان زنان سرپرست خانوار
- رویکرد توان افزایی و توانمندسازی
- آموزش مهارت های شغلی و حرفه ای جهت کاريابی و اشتغال زنان جویای کار سرپرست خانوار
- ارتقای اطلاعات و آگاهی ها و آموزش زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنها
- آموزش مهارت های زندگی در مواجهه با بحران های زندگی
- ارائه اطلاعات لازم بهداشتی جهت پیشگیری از ابتلا به برخی بیماریهای قابل کنترل

فهرست منابع

- قرآن کریم
- الیاس پور، مریم: «بررسی سیاست های اجتماعی - حقوقی پیرامون حقوق زنان مطلقه سرپرست خانوار»، پایان نامه مقطع کارشناسی رشته خدمات اجتماعی، استاد راهنما تقی دوست قرین، ۱۳۸۱.
- باقری، عطاران: «کودکان محروم از پدر»، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۲.
- بهنام، جمشید: «ساختارهای خانواده و خویشاوندی در ایران»، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
- الحداد، کفاح: «زنان سرپرست»، مجله الطاهره، موسسه الفكر الاسلامی، شماره ۱۴۵، ۳۰۰۳
- خسروی، زهره: «بررسی آسیب های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ش ۳۹، ۱۳۸۰.
- خسروی، زهره: «بررسی مشکلات عاطفی، روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانواده»، مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۸.
- داوودی، سعید: «زنان و ۳ پرسش اساسی» تهران، نشر نسل جوان، ۱۳۸۲.

- شادی طلب، ژاله : «فقر زنان سرپرست خانوار»، پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۳.
- شادی طلب، ژاله، امیری، سودابه : «زنان و مسائل جنسیتی در برنامه چهارم توسعه»، پروژه مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی و مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- صادقی، حسین : «بررسی مسایل اقتصادی زنان سرپرست خانوار»، مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵.
- طباطبایی، محمد حسین: «تفسیر المیزان» ، سید محمدباقر موسوی همدانی، ج اول و دوم، مطبوعاتی دارالعلم، قم، ۱۳۷۴.
- عباس زاده، افسانه : «بررسی سیاست های اجتماعی - حقوقی پیرامون حقوق زنان بیوه سرپرست خانوار»، پایان نامه مقطع کارشناسی رشته خدمات اجتماعی، استادراهنما تقی دوست قرین، ۱۳۷۹.
- عباسپور، زهرا: «وضعیت روانی - اجتماعی همسران شهیدانی که ازدواج مجدد کرده اند»، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، ۱۳۷۰.
- غفاری، مریم : «چند نقشه بودن زنان سرپرست خانوار، فرصت ها و چالش ها» ، فصلنامه پژوهش زنان، ش ۵، بهار ۱۳۸۲.
- فروزان، ستاره : بیگلریان، اکبر : «زنان سرپرست خانوار، فرصت ها و چالش ها» فصلنامه پژوهش زنان، ش ۵، بهار ۱۳۸۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب: «اصول کافی» ، ترجمه سید جواد مصطفوی ، تهران نشر فرهنگ اهل بیت (ع) ، بی تا
- مجلسی، محمدباقر: «بحارالانوار» ، ج ۱۰۳ و ۱۰۴ ، بیروت: موسسه الوفاء ، ۱۹۸۳ م.
- محمدی، زهرا : «زنان سرپرست خانوار»، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۵.
- مدنی، سعید : «طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» ، دفتر بررسی های اقتصادی فرهنگی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، شهریور ۱۳۸۱.
- مرکز آمار ایران : «آمارگیری از اشتغال و بیکاری خانوار» ، سال های ۸۳ - ۱۳۷۶
- مطیع، ناهید و همکاران : «فرصت های کودکان در خانواده های زن سرپرست» ، یونیسف، مجله زنان، ش ۵۳ و ۵۴ ، ۱۳۷۸.
- ، کارنامه سازمان بهزیستی کشور در سال (۸۱ - ۱۳۷۹)
- Albayan , 2003
- Blanon , L., (1999). "Gender , psychological perspective" , Allan and Bacon , Boston.
- Buvinic , M., Youssef , N. & Elm , B.V. (1978).
- Chant , S., (1997). "Woemen – headed Households : Diversity and Dynamics in the Developing world" . Houndmills , Basingtoke : Mcmillan.

- Dennerstein , L. (1993). "psychological and mental Health aspects of women's health" . wld statist , Quar , 46 , 234 – 236.

- Langlois , J: fortin , D. (1994)."Single – parent Mothers , poverty and Mental Health : A literature Review " . Sante – mentale – au – Quebec (1994 , 19 , 1 , spring , 157 – 173).

- Mc Gowan , L. (1990). "The determinat and conseauences of female – headed households". Population council and international center for Research on women.

- Resenfield , S. (1989). "The effects of women's employment ; personal control and sex differences in mental health " . Journal of Health and social Behavior , 30 , 77 – 91.

Women – Headed Households. "The ignored factor in development planning" , International center for Research on women , washington D.C.

Archive of SID